



### بیانیه ۸۱ چهره درباره‌ی ۳ جزیره

۸۱ نفر از اندیشمندان، فرهیختگان و هنرمندان نامدار ایرانی در بیانیه‌ای تاکید کردند که سه جزیره «تنب کوچک»، «تنب بزرگ» و «ابوموسی» بخش‌های جداناپذیری از آب و خاک ایران بوده و خواهند بود. در بخشی از این بیانیه که نسخه‌ای از آن در اختیار ایسنا گذاشته شده، آمده است: اتحادیه اروپا با حمایت از ادعاهای بی‌پایه و بی‌نتیجه‌ی دولت امارات، حاکمیت تاریخی و حقوقی مان بر جزایر همیشه ایرانی خلیج‌فارس را «اشغالگری» خوانده است. این اقدام تهدیدی است علیه تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران و مغایر با قواعد بنیادین حقوق و روابط بین‌الملل. رضا داوری اردکانی، مصطفی محقق داماد، علی اصغر دادبه، مجید انتظامی، حسن بلخاری، یونس شکر خواه، کمال تبریزی، کیانوش عیاری و عباس عبدی از جمله کسانی هستند که این نامه را امضاء کرده‌اند.



### تجلیل از جانی دپ در جشنواره رم

جانی دپ، بازیگر مشهور هالیوود در جشنواره رم با جایزه یک عمر دستاورد هنری تجلیل شد و فیلم جدیدش نمایش داده شد. فستیوال روم ایتالیا اعلام کرد، شب پیش با اهدای جایزه یک عمر دستاورد هنری از بازیگر ۶۱ ساله هالیوودی برای «سفر خارق العاده‌اش به‌عنوان یک بازیگر» تجلیل کرد و پس از آن «مودی» فیلم جدیدی را که دپ کارگردانی کرده، به نمایش گذاشت. از این فیلم به‌عنوان گردبادی ۷۲ ساعته در زندگی هنرمند بوهمی آمادئو مودیلیانی، معروف به مودی یاد شده است. به گزارش مهر، در همین حال جشنواره فیلم روم عکس‌هایی از دپ را در اینستاگرام خود به اشتراک گذاشت که دپ مجسمه طلایی را از بازیگر نقش اول فیلم «مودی»، ریکاردو اسکامارچیو دریافت می‌کند. دپ که در طول سال‌ها در مجموعه‌ای از فیلم‌ها بازی کرده و با بازی در نقش کاپیتان جک اسپارو در مجموعه «دزدان دریایی کاراییب» محبوبیت جهانی به دست آورد، در فیلم‌های تیم برتون از جمله: «ادوارد دست قیچی»، «چارلی و کارخانه شکلات‌سازی» و «عروس مرده» بازی کرده است.



### جنجال در نوتردام

چند هفته پیش از افتتاح دوباره کلیسای بزرگ نوتردام پس از آتش‌سوزی ویرانگر، این کلیسا درگیر جنجال‌هایی درباره دریافت هزینه ورودی از بازدیدکنندگان شده است. رشیده داتی، وزیر فرهنگ فرانسه این هفته پیشنهاد داد که گردشگران و بازدیدکنندگان از کلیسای نوتردام پاریس، که به‌عنوان «روح فرانسه» شناخته می‌شود و یکی از گنجینه‌های بزرگ معماری جهان است، باید برای کمک به حفظ کلیساهای در حال فروپاشی کشور، پنج یورو به‌عنوان ورودی بپردازند. به گزارش ایسنا، درحالی‌که کلیساهای جامع معروف کشورهای همسایه ازجمله اسپانیا، ایتالیا و بریتانیا به‌طور معمول از گردشگران هزینه ورودی دریافت می‌کنند، اما کلیسای کاتولیک رم فرانسه به‌شدت با این ایده مخالف است و کارشناسان هشدار داده‌اند که این کار حتی می‌تواند غیرقانونی باشد. کلیسای جامع نوتردام قرار است در ۸ دسامبر دوباره بازگشایی شود، پس از اینکه در آوریل ۲۰۱۹ به‌طور معجزه‌آسا از تخریب کامل نجات یافت.

# عشق با ثبات در روزگار بی ثبات

## گفتاری از کاوه بهبهانی درخصوص راه‌های ماندگاری روابط در جامعه نمایشی



عکس: Gettyimages

برای اندیشیدن است، بدانید.

صحبت‌م را با مثالی ادامه می‌دهم تا روشن شود که وقتی از عشق صحبت می‌کنیم، منظورمان چه چیزهایی نیست. تصور کنیدبه کاری که انجام می‌دهید شورمندانه علاقه دارید یا به آن مومنیند، علاقه‌و ایمانی که ممکن است در آن عنصری عاشقانه نیز یافت شود اما این نوع از عشق موضوع مورد بحث ما نیست. ضمن اینکه عشق از آن نوعی که افلاطون در رساله‌معروف «سمپوزیوم» طرح می‌کند، عشقی آن جهانی‌وفی‌نفسه‌نسبت به‌زیبایی، نیز مدنظر ما نیست. منظور ما از عشق، نوع خاصی از عشق، عشقی رمانتیک میان دو انسان متشکل از گوشت و پوست و استخوان، نسبت به‌یکدیگر است. پس این عشق، نخست عشقی شخصی است که در آن دو فرد عاشق یکدیگرند و دوم اینکه رمانتیک است. آن چه من در موردش صحبت می‌کنم این نوع از عشق است.

برای توضیح این عشق چندین نظریه وجود دارد. نظریه اول اینکه این عشق را می‌توان چونان یک‌پار چگی در نظر گرفت، ماجرا از این قرار است که من و معشوقم، با یکدیگر هویتی مشترک، به قول فیلسوف معاصر رابرت نوزیک، یک «ما»، یک هویت تازه می‌سازیم. به بیان دیگر، خود را؛ بدن و ذهن‌مان را بسط می‌دهیم، یکی می‌شویم و به‌روزی‌مان را به یکدیگر گره می‌زنیم. حال من از تلخ‌کامی معشوق خود، تلخ‌کام و از شادکامی او، شادکام می‌شویم. بدیهی است که در این حالت بخشی از استقلال ما از بین می‌رود. ما در حالت طبیعی دوست داریم تصمیمات‌مان از خودآیینانه و بدون هماهنگی با دیگری بگیریم اما در وضعیت مذکور ناگزیر از واگذاری بخشی از استقلال خود به دیگری برای دستیابی به هویتی تازه هستیم. در نتیجه ممکن است همه ابعاد عشق هم لزوماً مثبت نباشد هرچند مزایایی چون دل‌بستگی ایمن و سلامت جسمانی را به همراه می‌آورد. در فرضیه دوم، عشق چونان دغدغه شدید دیگری را داشتن مطرح می‌شود؛ علاقه‌مندی مدام به بودن در کنار دیگری و شوری که با بروزات تنانه همراه می‌شود. طبیعتاً دغدغه‌مندی شدید عاشق نسبت به معشوق موجب آسیب‌پذیری اومی‌شود. به‌بیان دیگر، عاشق پیش‌تر اگر دردی جسمانی را تحمل می‌کرد، یک ناراحتی داشت و اکنون درد جسمانی

معشوق نیز موجب ناراحتی‌اش می‌شود. در این حالت گویی عاشق، سپهر عاطفی را که از او مراقبت می‌کرده است زمین می‌گذارد. پس هنگام صحبت از عشق، نمی‌توان آن را امری تماماً مثبت در نظر گرفت و باید این ابعاد آن را نیز مدنظر داشت. نظریه سوم، عشق را چونان ارزش قائل‌شدن برای چیزی؛ چه به‌واسطه واجد ارزش بودن آن از ابتدا و چه از طریق تحمیل ارزش‌هایی بر آن، در نظر می‌گیرد. در این حالت عاشق، معشوق را از حالت عام خارج و آن را تکیه می‌کند. در این تقریر، عشق به‌معنای بی بردن به تکیه‌گی و منحصر به‌فرد بودن معشوق است؛ در حالی که نظیر آن بسیار یافت می‌شود. سوال اما این جاست که آیا ما این ارزش‌ها را جعل می‌کنیم یا کشف می‌کنیم؟ در این‌جا دو نظریه مطرح می‌شود. براساس یکی، ارزش‌هایی وجود دارد و ما آن‌ها را پیدامی‌کنیم که من ارزشیابی می‌نامم‌اش. در نظریه دیگر، این ماهستیم که ارزش‌ها را تحمیل می‌کنیم که من نام ارزش‌گذاری را بر آن می‌گذارم. در حالت دوم، اگر این من هستم که ارزش‌گذاری می‌کنم و آن ارزش واقعاً وجود خارجی ندارد، این پرسش پیش می‌آید که نکند من رابطه‌ای توهمی با معشوق خود ساخته‌ام؟ و مگر رابطه سالم با دیگری، این نیست که من تصویری واقعی از دیگری داشته باشم و به اونیز تصویری واقعی از خودش بدهم؟ درحالی‌که بعضی از روان‌شناسان از این ایده؛ توهمات مثبت‌القاء کردن به محبوب، دفاع می‌کنند. در نهایت نظریه چهارم، عشق را چوون عاطفه در نظر می‌گیرد. به عقیده من عشق ترکیبی از همه این نظریه‌هاست؛ من وقتی عاشق می‌شوم، ضمن اینکه هویتی مشترک با دیگری برای خود می‌سازم، در عین حال ارزش‌هایی را در او دیده‌ام یا بر او تحمیل کرده‌ام که شیفته‌اش شده‌ام. از سوی دیگر دغدغه خاطر او را دارم و همین در نهایت، عاطفه‌ای پیچیده در من شکل داده است که آن را عشق می‌نامند.

#### ▼ فواید عشق

حال سوال این است که آیا این عشق فایده‌ای هم دارد یا نه؟ یکی از فواید عشق، فایده معرفتی است که من نام آن را خاصیت آیینگی گذاشته‌ام. در واقع درست همان‌گونه که آینه چیزهایی را به من نشان می‌دهد که در حالت عادی نمی‌بینم، این جانبز من و طرف مقابل چیزهایی را به یکدیگر نشان می‌دهیم که در حالت عادی نمی‌بینیم.شان و از این طریق به‌شناختی تازه می‌رسیم. در پرتو این شناخت تازه است که من می‌توانم ویرایش تازه‌ای از شخصیت خود ارائه دهم. این جاست که یکی دیگر از ویژگی‌های مهم عشق را می‌بینیم. عشق ازجمله تجربیاتی است که برخی فیلسوفان آن را تجربه تحول‌بخش می‌نامند. عشق و دوستی، از خصلتی شبیه به سایکدلیک‌ها بر خوردارند. یعنی فرد پیش و پس از آن در شرایط متفاوتی قرار می‌گیرد. من پس از عاشق شدن از دوحیث دچار تغییر می‌شوم. یکی از حیث معرفتی، چراکه چیزهایی به دایره دانسته‌هایم افزوده شده است. چیزهایی ازجمله این که حس‌وحال عاشق شدن را در می‌یابم و در مورد خود به چیزهایی پی می‌برم که تا پیش از آن نمی‌دانستم. عشق در کنار این ارزش معرفتی، ارزش اخلاقی هم ایجاد می‌کند. به این معنا که اگر خودپرستی یا خودگرایی را یکی از بدافزارهای اخلاقی بدانیم، آن وقت است که با بیرون زدن از لاک خود و دغدغه دیگری را دغدغه خود دانستن، اتفاقی مهم برایمان رخ می‌دهد. دلیل اساسی این تغییرها آن است که من، خود، خویشتن، نه امری بر خوردار از ذات، آن هم ذاتی لایتغیر بلکه امری است که در رابطه قوام پیدا می‌کند. برای همین است که من در کنار تو، کسی هستم که با آن که در کنار دیگری‌ام، متفاوت است. چیز دیگری که روی من، خود، خویشتن تأثیر می‌گذارد روزگار است. این که شمار در چه روزگاری زندگی می‌کنید، تاحدی چه کسی بودن‌تان را تعیین می‌کند.

#### ▼ تغییر ماهیت عشق در زمانه‌ی اصالت و تیرین

روزگار برای ما، خود یا خویشتنی خاص آماده می‌کند و به عشق‌ورزی‌های‌مان رنگ و لعنی به‌خصوص می‌دهد. این روزگار میراث‌دار جنبش‌هایی از جمله روشنگری، رمانتیسم و... است که پیش‌فرض‌های آن‌ها از طرق گوناگون ازجمله فیلم، موسیقی و... به ما منتقل می‌شود و ما عشق‌ورزی را از آن‌ها یاد می‌گیریم. ژان ژاک روسو در کتاب «گفتاری درباره نابرابری» با بیان این جمله پیش‌بینی می‌کند که عصر ما به کدام سمت‌وسو می‌رود. او به‌عنوان فیلسوفی مخالف جنبش روشنگری که دست‌در دست‌شالکه‌ای اقتصادی تحت عنوان کاپیتالیسم جلومی‌رود، می‌گوید: «همه‌دست به کار نگرستن به دیگران می‌شوند و آرزوی دیده شدن خود را دارند و محترم بودن نزد همگان، به ارزش بدل می‌شود.» من نام این اتفاق را مرئی‌شدن می‌گذارم. ماهیت عشق در جامعه‌نمایش، در دوران اصالت و تیرین، آن چیزی که بوده است نمی‌ماند و دگرگون می‌شود. یکی از فیلسوفانی که این موضوع را به خوبی پیش‌بینی می‌کرد، ژان ژاک روسو بود. او می‌گفت ماهیت عشق تغییر پیدا می‌کند و از عشق سالم بدون درنظر گرفتن نگاه دیگران به عشقی که زیر نگاه خیره دیگران شکل می‌گیرد تبدیل می‌شود؛ چه عشق به خود، چه عشق به دیگری. من خودم را طوری دوست دارم که توبه من نگاه می‌کنی، بنابراین همیشه مواظب طوری که توبه من نگاه می‌کنی هستم. انگار تویی که تعیین می‌کنی من، خودم یا معشوقم را دوست داشته باشم یا نه و برای همین ممکن است در مورد خودم یا معشوقم احساس ناکافی بودن کنم و دائم در اضطراب بهسر بیرم. من با مرئی‌شدن به نحو نظام‌مندی عزت‌نفسم را از دست می‌دهم چون در هر جمعی خوش‌پوش‌تر، خوش‌سخن‌تر، داناتر و تواناتر از من و وجود دارم و من دائم خودم را با آن‌ها مقایسه می‌کنم. در پی این مقایسه وضعیتی بسیار بغرنج پدید خواهد آمد؛ یا بسیار بیش از آن چه باید خودم را دوست خواهم داشت و کسی را لایق دوست داشتن نخواهم دید یا از خود بیزار خواهم شد و خود را لایق دوست داشته شدن نخواهم دید.

ایده دیگر از اینس قرار است که ما به‌عنوان انسان‌هایی اقتصاداندیش، تفکر اقتصادی را وارد دیگر قلمروهای زندگی خود و ازجمله وارد تجربه‌های عاشقانه‌مان نیز می‌کنیم. یکی از اصول تفکر